

رازهای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس تاریخ

رضوان نعمتی
سرگروه تاریخ، استان اصفهان



عکس: راضیه محب

اشاره

مقاله‌ای که در پیش روی دارید، می‌خواهد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به درس تاریخ علاقه‌مند کرد. در این مقاله، علت بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس تاریخ طی پرسش‌نامه و سپس مصاحبه‌ای که با ۵۳ نفر انجام شده مورد بررسی قرار گرفته و سپس راه‌حل‌هایی برای رفع این مشکل پیشنهاد شده است. بخشی از این مشکل مربوط به شیوه تدریس، بخشی مربوط به کتاب درسی و بخشی مربوط به جامعه و خانواده دانش‌آموز است. امید است که مورد توجه واقع شود.

کلیدواژه‌ها: درس تاریخ، دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن

از نخستین روزی که به عنوان معلم تاریخ پای در کلاس درس گذاشتم سال‌ها می‌گذرد. این مدت تدریس در دوره راهنمایی و دبیرستان موجب آشنایی فراوان من با فراز و نشیب‌های این رشته گردیده است. قبل از اینکه این رشته را برای ورود به دانشگاه انتخاب کنم، بسیار اندیشه می‌کردم و راجع به آن از آشنایان پرسش می‌نمودم. هنوز هم این سؤال اساسی که چرا به تاریخ و معلمی این رشته علاقه‌مند شدم در اندیشه‌ام خلجان دارد. از قبل از ورود به دانشگاه تا امروز همواره از خود می‌پرسیده و می‌پرسم که چرا تاریخ می‌خوانم و قرار است بر اسب تاریخ به کدام سو سفر کنم؟ زمانی که برای اولین بار وارد کلاس درس شدم، می‌دانستم که این سؤال در اندیشه‌ی شاگردانم نیز هست. آن‌ها هم همین سؤال را از خود می‌پرسند. خانم! چرا تاریخ می‌خوانیم. خانم! اصلاً تاریخ قرار است چه مشکلی از ما را حل کند؟ خانم تاریخ به چه کار ما می‌آید؟ و... من هم مانند سایر همکارانم در این رشته از همان ابتدای کلاس بسیار توضیح می‌دادم و در فواید تاریخ بسیار سخن می‌راندم و این گفتنی‌ها حکایت هر ساله‌مان شده بود. با هر توضیحی که می‌دادم برق اشتیاق را در چشم‌های شاگردانم می‌دیدم، اگرچه چندی نمی‌گذشت که باز هم بی‌علاقگی آنان نمایان می‌شد. انگار که در هر نوبت لازم بود در فواید تاریخ مطلبی بگویم تا علاقه آن‌ها به جوش آید و شوقی نشان دهند. این عمل همیشه تکرار می‌شد و همواره از خود می‌پرسم چرا اشتیاق به درس تاریخ در نسل امروزی وجود ندارد. چرا شوق کاویدن در زندگی مردمان قبل در ما وجود داشت اما امروز کمتر دانش‌آموزی است که این اشتیاق را داشته باشد. به نظر می‌رسد برای نسل امروز «زندگی در حال» کافی است و آن‌ها حوصله پرداختن به گذشته را ندارند. اما مگر می‌شود بی‌دانستن از گذشته به آینده سفر کرد؟ تمام تلاش من در کلاس‌هایم این است که بگویم مگر می‌شود راننده‌ای بدون نیاز به آینه‌ی خودرو به راحتی در جاده راه بییماید؟ هر فرد یا ملتی هم‌چنین است. باید گذشته را نیک بنگرد تا چراغ راه آینده‌اش باشد. همواره در تلاش بودم که نشان دهم با چه ابزار و روش مناسبی می‌توانم این حقیقت را در کام دانش‌آموزان خود فرو ریزم. این مسئله‌ای بود که سال‌ها درگیر آن

بودم تا امسال که در یک دبیرستان تخصصی کار می‌کردم سعی کردم آن را به نحو احسن حل کنم، لذا بهتر دیدم مشکل را از خود دانش‌آموزان بپرسم تا بدانم علت بی‌علاقگی آنان به تاریخ چیست و با وجود اینکه رشته آن‌ها علوم انسانی است آن‌گونه که انتظار می‌رود به مباحث تاریخی علاقه نشان نمی‌دهند.

خوشبختانه برگزاری دوره آموزشی «اقدام‌پژوهی و معلم پژوهنده» موجب شد بتوانم با روش حل مسئله و با نگاهی علمی با این مسئله مواجه شوم. در این رابطه از ۵۳ نفر از دانش‌آموزان طی پرسش‌نامه‌ای نظرسنجی کردم و از همکارانم در سایر رشته‌ها نیز کمک خواستم که هر از گاهی در لابه‌لای درس‌هایشان و به اقتضای موضوع و زمان از اهمیت نقش تاریخ در زندگی صحبت کنند تا دانش‌آموزان ذهنشان بیشتر معطوف به تاریخ و اهمیت آن گردد. همچنین در خلال کار و تدریس نقاط قوت و ضعف تدریس خودم و کتاب درسی را نیز جویا می‌شدم تا انتقادهای و پیشنهادهای آنان را نیز جمع‌آوری کنم و راه را بر خود روشن‌تر کنم. اکنون امیدوارم این تحقیق سرآغازی باشد برای کاوش بیشتر در رشته‌های علوم انسانی و علاقه‌مند کردن جوانان امروز به فرهنگ کشور عزیزمان ایران و اینکه سایر رشته‌های علوم انسانی و به‌خصوص تاریخ بیشتر جایگاه خود را در جامعه باز یابد.

مرحله اول، تشخیص مشکل

یکی از مشکلاتی که من در طول سال‌ها تدریس با آن مواجه بودم نام‌آنوس بودن دانش‌آموزان با درسی به نام تاریخ بود. اکثریت آن‌ها درس تاریخ را دوست نداشتند و فقط برای حفظ کردن و نمره خوب گرفتن و یا نمره قبولی آن را می‌خواندند. در آغاز سال تحصیلی وقتی در مورد درس تاریخ و میزان علاقه‌شان به این درس از آن‌ها سؤال می‌کردم اکثریت می‌گفتند درس تاریخ را دوست ندارند. چون کلاس‌های تاریخ خشک و بی‌روح است. یا می‌گفتند: ما را با مردگان چه کار؟ اصلاً تاریخ به چه درد می‌خورد و در زندگی چه کاربردی دارد؟ و من نیز کلی برای آنان سخنرانی می‌کردم و از فواید تاریخ و مطالعات تاریخی برای آن‌ها می‌گفتم، ولی می‌دانستم که حرف زدن

کفایت نمی‌کند و باید به طریقی این علاقه را در آن‌ها ایجاد کنم و این میسر نمی‌شد مگر اینکه خود دانش‌آموز احساس نیاز به دانستن تاریخ پیدا کند. به هر جهت من با این مسئله به‌عنوان یک مشکل برخورد کردم و سعی کردم بدانم چه دلیلی باعث می‌شود دانش‌آموزان نسبت به درس تاریخ بی‌علاقه باشند.

مرحله دوم: جمع‌آوری اطلاعات

دلایلی که من توانستم جمع‌آوری کنم به شرح زیر است: در یک نگاه کلی و اجمالی به کتاب‌های درسی متوجه چند نکته شدم که همین نکات باعث می‌شد درس تاریخ در بین دانش‌آموزان جذابیت نداشته باشد.

۱. کتاب‌های تاریخ در سال‌های ابتدایی و متوسطه اول به موضوع ایران باستان، تمدن باستانی جهان، ایران در دوره اسلامی و همچنین تاریخ معاصر ایران می‌پردازند. با توجه به سن دانش‌آموزان این کتاب‌ها دارای اسامی دشوار و سخت هستند و دانش‌آموزان برای یادگیری آن‌ها معمولاً دچار مشکل می‌شوند. از طرفی معلم بیشتر از روش پرسش و پاسخ استفاده می‌کند و دانش‌آموزان مجبور به تهیه دفتر تاریخ و نوشتن سؤال و جواب می‌باشند.

۲. مطالب کتاب خلاصه‌وار و فشرده است و دانش‌آموز باید مدت زیادی از تاریخ بشر را در یک سال تحصیلی بخواند.

۳. ساعت این درس، به‌خصوص در دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه، در طول هفته کم است و معلم جز درس دادن و درس پرسیدن نمی‌تواند به کار دیگر برسد یا فعالیت فوق برنامه‌ای داشته باشد؛ فعالیت‌هایی مثل بازدید از یک موزه یا یک اثر تاریخی و یا دیدن یک فیلم و ...

۴. برخی از معلمانی که در دوره اول و حتی دوره دوم دبیرستان تدریس می‌کنند یا رشته تحصیلی آن‌ها تاریخ نیست و یا اصلاً علاقه‌ای به تاریخ ندارند و از سر اجبار؛ شب قبل درس را حفظ می‌کنند و همان را تحویل دانش‌آموز می‌دهند؛ در واقع فقط به فاصله یک شب از دانش‌آموز جلوتر هستند.

۵. نکته دیگر اینکه دانش‌آموز با روش مطالعه آشنایی ندارد و این بر مشکلات معلم در تدریس درس تاریخ می‌افزاید.

۶. وسایل کمک‌آموزشی تاریخ مثل نقشه؛ عکس؛ کتاب؛ فیلم و ... یا کم است یا مدارس امکان استفاده از آن را ندارند.

با توجه به این نکات و مسائل دیگری که در این مقاله جای طرح آن نیست به دانش‌آموزان حق



عکاس: اقدس نوروزی

**خوشبختانه
برگزاری دوره
آموزشی
«اقدام‌پژوهی و
معلم پژوهنده»
موجب شد
بتوانم با روش
حل مسئله و با
نگاهی علمی
با این مسئله
مواجه شوم.
در این رابطه
از ۵۳ نفر از
دانش‌آموزان طی
پرسش‌نامه‌ای
نظرسنجی کردم**

دادم که نسبت به درس تاریخ بی‌علاقه باشند و از تاریخ به‌عنوان درسی یاد کنند که گاه از بعضی از دروس برای آنان سنگین‌تر و سخت‌تر جلوه می‌کند.

در این کار، علاوه بر مشکلاتی که در بالا به آن‌ها اشاره کردم مشکلات دیگری نیز در دوره متوسطه دوم دارم که کار را دشوارتر می‌کند. اولاً دانش‌آموزان با روش مطالعه و خواندن آشنایی ندارند و تاریخی که تا به حال خوانده‌اند بیشتر به‌صورت سؤال و جواب بوده است و هنوز هم با همان روش مأنوس هستند و فکر می‌کنند در متوسطه دوم تاریخ را باید به همان شیوه دوره اول متوسطه بخوانند، در غیر این‌صورت توانایی یادگیری به روش جدید را ندارند و معلم برای تدریس به روش جدید باید بسیار تلاش کند. در ثانی کتاب‌های درسی متوسطه دوم پر حجم و قطور هستند و ساعات تدریس آن‌ها در هفته کم است. در پایه سوم متوسطه دوم، رشته ادبیات و علوم انسانی، امتحان تاریخ به‌صورت نهایی برگزار می‌شود و معلم باید دانش‌آموزان را برای امتحان نهایی آماده بکند. و در سال آخر نیز دانش‌آموز باید برای کنکور آماده شود و لذا محدودیت معلم در کلاس بیشتر می‌شود. مشکل دیگری که داشتم این بود که دانش‌آموزان فقط درس را حفظ می‌کنند. و همواره این فکر در سرم بود که چه کنم دانش‌آموزان درس را خوب درک کنند و یاد بگیرند. گاه پیش می‌آمد که اگر یک کلمه را فراموش می‌کردند کل مطلب را نیز از خاطر می‌بردند و این نیز یکی از مشکلات است. متأسفانه بیشتر دانش‌آموزان روش مطالعه کردن را بلد نیستند و معمولاً اگر کتابی می‌خوانند صرفاً کتاب قصه است و آن را نیز به قول خودشان با صدای بلند می‌خوانند. و همین ناآشنایی با مطالعه باعث شده است گاه در روخوانی کتاب، درک معانی و لغات و مفهوم جملات دچار مشکل شوند و معلم بخشی از وقتش را صرف معنی کردن لغات و مفاهیم کتاب کند.

مرحله سوم: تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها

من برای رفع این مشکلات می‌بایست چند کار مهم انجام می‌دادم:

۱. نیروی گوش دادن آنان را تقویت می‌کردم. وقتی آنان درسی را به دقت گوش دهند هم یاد می‌گیرند هم کلاس تاریخ خسته‌کننده نخواهند بود.
۲. فن بیان و مشاهده دقیق و توانایی نوشتن را در دانش‌آموزان تقویت می‌کردم.
۳. دانش‌آموزان در امر تدریس مشارکت فعال داشته باشند. احساس مسئولیت کنند تا یادگیری سهل‌تر و از طرفی شیرین‌تر و جذاب‌تر گردد.
۴. روش‌های سنتی را باید تا حدود زیادی کنار می‌گذاشتم و از روش‌های نوین آموزشی بهره می‌گرفتم. باید همچنین از وسایل کمک آموزشی مثل گچ، تابلو، فیلم عکس، نقشه، کتاب و ... استفاده می‌کردم.
۵. در طول سال تحصیلی بازدیدهای علمی و تاریخی برای دانش‌آموزان برگزار می‌کردم.
۶. دانش‌آموزان را به ساخت محتوای الکترونیکی برای دروس تاریخ تشویق و ترغیب می‌کردم.
۷. دانش‌آموزان را به عکاسی از آثار باستانی تشویق می‌کردم تا علاقه و دقت آنان در یادگیری بیشتر شود.
۸. از دانش‌آموزان می‌خواستم به‌عنوان نمونه اقدامات داریوش را نقاشی کنند، مثلاً راه‌سازی، ضرب سکه، ایجاد ارتش، ایجاد چاپارخانه و ... در قالب نقاشی موارد ذکر شده، بهتر در ذهن می‌ماند و باعث خلاقیت بیشتر دانش‌آموز در کلاس درس می‌شود.

مرحله چهارم: بررسی راه‌حل‌ها

روشی که در پیش گرفتم تا حدودی بخشی از مشکل را در کلاس حل کرد، به‌طوری که می‌توانم بگویم تا اندازه‌ای دانش‌آموزان به درس تاریخ علاقه‌مند شدند. اقداماتی که انجام دادم به شرح زیر بود:

در جلسه اول سعی کردم با گرفتن یک امتحان کتبی سطح علمی کلاس را ارزیابی کنم تا بدانم اطلاعات تاریخی دانش‌آموزان چه میزان و میزان علاقه آن‌ها به تاریخ چه قدر است. این نظرسنجی را بسته به اینکه دانش‌آموز در کدام پایه بود، (دوم یا سوم یا چهارم) و براساس کتاب سال قبل انجام می‌دادم. علاوه بر این در مورد کاربرد تاریخ و فواید آن سؤالاتی نیز در هنگام تدریس مطرح کردم تا

نظر دانش‌آموزان را در این باره جویا شوم.

همچنین در حین تدریس از عکس، نقشه، کتاب، رایانه و گاه فیلم نیز استفاده کردم، دانش‌آموزان را نیز در امر تدریس شرکت دادم به صورتی که گاه از آنان نظرخواهی نیز می‌کردم. وقتی دانش‌آموزی احساس کند که مورد سؤال واقع می‌شود تلاش می‌کند به درس گوش دهد و این خود کمک می‌کند که به تدریج هنر گوش کردن را بیاموزد. بعد از اتمام درس و پاک کردن تابلو از آنان می‌خواستم آنچه از درس آموخته‌اند روی کاغذ بیاورند و بعد برگه‌ها را جمع می‌کردم و می‌خواندم و اگر نیاز به توضیحی بود در زیر آن می‌نوشتیم و اگر دانش‌آموز در یادگیری مرتکب اشتباهی می‌شد به او گوشزد می‌کردم.

در آغاز اکثر دانش‌آموزان آنچه در مورد درس می‌نوشتند حسته، گریخته و ناهماهنگ بود و گاه اطلاعات غلطی را نیز ارائه می‌دادند و من متوجه می‌شدم که آن‌ها خوب گوش نداده‌اند و یا به علت حجم زیاد درس و زیاد بودن مطالب مطرح شده، دچار اشتباهاتی می‌شوند اما در جلسات بعد مشاهده کردم که دانش‌آموزان درس را بهتر یاد گرفته‌اند و مطالبی که می‌نوشتند، نسبت به اولین جلسه بهتر است. آموخته بودند که درس را به دقت فراگیرند چون در پایان کلاس از آنان خواسته می‌شود. کم‌کم بر آنان مسلم شد که از روش یادداشت‌برداری استفاده کنند و به حافظه کوتاه مدت خود خیلی اعتماد نکنند. این امر هم مشارکت آن‌ها را در امر تدریس بیشتر می‌کرد و هم آنان را از حالت غیرفعال به دانش‌آموز فعال تبدیل می‌کرد. کم‌کم آموختند که خوب گوش دهند. حتی روش خلاصه‌برداری از یک سخنرانی یا یک کتاب را به تدریج آموختند؛ و شیوه نگارش آنان نیز تغییراتی کرد به طوری که دبیر ادبیات مدرسه نیز معتقد بود تغییراتی در شیوه مطالعات ادبی آن‌ها ایجاد شده است.

این روش باعث می‌شد که دانش‌آموزان درس را بهتر یاد بگیرند و کلاس برایشان مهیج گردد و حتی به قول خودشان بعد از اتمام سال تحصیلی بسیاری از شخصیت‌ها و اقداماتشان در ذهنشان می‌ماند. گاهی بدون اطلاع قبلی از گروهی از دانش‌آموزان می‌خواستم در عرض ۱۰ دقیقه مثلاً داستان‌ها و حکایت‌های نظام فتودالی و نقش

ارباب و رعیت را به نمایش بگذارند. بازدید از آثار تاریخی در ارتباط با موضوع درس، جذابیتی ویژه برای دانش‌آموزان داشت. دیدار از یک موزه، مرکز اسناد یا یک اثر باستانی نیز بسیار مؤثر بود. علاوه بر آن دیدن یک فیلم تاریخی در ارتباط با درس میزان یادگیری دانش‌آموزان را افزایش می‌داد و هر گاه فرصت نمی‌شد سی‌دی فیلم را به دانش‌آموز می‌دادم تا در آغاز یا پایان تدریس آیاتی از قرآن و مطالبی از نهج‌البلاغه را در منزل مشاهده کنند. تحقیقات میدانی در مورد یک حادثه تاریخی، یک رسم محلی، حتی یک غذای سنتی را به آن‌ها می‌آموختم و این باعث افزایش جذابیت تاریخ می‌شد.

گاه خود دانش‌آموزان مثلاً مجلات دهه بیست یا دوره پهلوی دوم را در کلاس می‌آوردند که خواندن بخشی از خاطرات و سفرنامه‌های افراد در این مجلات برای آنان ارزشمند بود و معرفی این کتاب‌ها در کلاس نیز مؤثر بود.

نتیجه‌گیری

من مشکلات را بررسی کردم و متوجه شدم حجم زیاد کتاب و تکرار مطالبی که قبلاً خوانده‌اند، شرح بدبختی‌ها و ناکامی‌های ملت ایران، خیانت‌ها و فسادها در کتاب تاریخ، کمبود وسایل کمک آموزشی، عدم آگاهی دانش‌آموز از کاربرد تاریخ در جامعه و... همه از جمله عواملی هستند که دانش‌آموزان را نسبت به درس تاریخ بی‌علاقه می‌کنند. مشکلات را بررسی نمودم و در حد توان سعی کردم آن‌ها را رفع کنم و برای جذاب‌تر کردن کلاس تاریخ از روش‌هایی مثل مشارکت دانش‌آموزان در امر تدریس بهره بردم و سعی می‌کردم هنر گوش کردن، فن بیان و هنر نوشتن را در دانش‌آموزانم تقویت کنم. همچنین از وسایل کمک آموزشی، فیلم رایانه، نقشه و... استفاده کردم به طوری که در طول سال تحصیلی اکثر دانش‌آموزان، ساعات درس تاریخ را بسیار دوست داشتند. در پایان سال تحصیلی میزان علاقه‌مندی آنان به تاریخ نسبت به آغاز سال تحصیلی بسیار افزایش یافته و سطح آگاهی آنان نسبت به مسائل تاریخی بالا رفته بود. این روش مقدمه‌ای شد تا آنان با کتاب و مطالعه نیز آشنا شوند. در نهایت طی پرسش‌نامه‌ای میزان نگرش



۴. آیا استفاده از شیوه‌های سمعی-بصری در یادگیری تاریخ مؤثر است؟
- الف. بله ۳۵ نفر
ب. تا حدودی ۱۳ نفر
ج. خیر ۵ نفر
۵. آیا مطالعه وضعیت اقتصادی اجتماعی گذشتگان را دوست دارید؟
- الف. بله ۳۸ نفر
ب. تا حدودی ۱۰ نفر
ج. خیر ۵ نفر
۶. آیا از محتوای کتب درسی تاریخ احساس خوشایندی دارید؟
- الف. بله ۶ نفر
ب. تا حدودی ۱۶ نفر
ج. خیر ۳۶ نفر
۲. آیا مباحث تاریخی در جمع خانواده‌تان مطرح می‌شود؟
- الف. بله ۷ نفر
ب. تا حدودی ۱۸ نفر
ج. خیر ۲۸ نفر
۳. آیا مباحث تاریخی را از رسانه‌های گروهی می‌آموزید؟
- الف. بله ۲۰ نفر
ب. تا حدودی ۲۱ نفر
ج. خیر ۱۲ نفر
۱. آهنچیان، محمدرضا و دیگران؛ اقدام‌پژوهی، راهبردی برای بهبود آموزش و تدریس، مجموعه مقالات از گروهی از نویسندگان، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲. سرمد زهره و دیگران؛ روش‌های تحقیقی در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.
۳. صالحی، دکتر نصرالله؛ راهکارهای آموزش تاریخ، مؤسسه فرهنگی جهانتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. قاسمی پویا، اقبال؛ راهنمای علمی پژوهش در عمل، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳.
۵. مک نیف و دیگران، اقدام پژوهشی (طراحی، اجرا، ارزشیابی) ترجمه محمدرضا آهنچیان، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۲.